

هنر اسلامی

در چالش مفاهیم معاصر و افق های جدید*

محمدجواد مهدوی نژاد

تاریخ دریافت مقاله: ۸۱/۲/۲۸
تاریخ پذیرش نهایی: ۸۱/۱۰/۱۶

چکیده:

گروه وسیعی از آثار هنری، امروز با عنوان هنر اسلامی شناخته می شوند. شناسه اسلامی، در کنار هنر، به تصورات مبهم نشانه‌شناسانه و مفاهیم روشن پدیدار شناسانه‌ای اشاره می‌کند، که برساخته از مفاهیم اولیه (بدون تعریف، اما معلوم) و اصول موضوع (مفاهیم پیشادانشی) مربوط به هنر اسلامی می باشد. تئوری های متنوع، نتوانسته اند تعریفی جامع و مانع، از هنر اسلامی ارائه نمایند و این پرسش باقی مانده که براستی هنر اسلامی چیست؟ واپژوهی دستاوردهای هنر پژوهان در این زمینه منجر به بازشناسی شش تعریف پایه ای گردید. که سایر فرضیات را می توان زیر مجموعه ای از آنها به شمار آورد. در این تعاریف هنر اسلامی به مثابه هنر مقدس، هنر جهان اسلام، هنر مسلمانان، هنر با محتوای دینی و اسلامی، هنر عربی، هنر انتزاعی و هندسی و یا ترکیبی از تمامی موارد فوق معرفی شده که هیچکدام نمی توانند، به تنهایی و به صورت جامع و مانع معرفی هنر اسلامی باشند، اما هر یک به نوبه خود، روزه ای به ارایه تعریفی فرهیختار، در این زمینه می‌گشایند، که تجلی عناصر سلبی و ثبوتی الهی، وحدت و یگانگی است. به عبارت دیگر تراهر نمایه هنر اسلامی، هنر توحید است.

واژه های کلیدی:

هنر اسلامی، هنر مقدس، قرآن، مسلمانان، هنر عربی، هنر انتزاعی و هندسی

مطالعات مربوط به این مقاله با استفاده از تسهیلات اعطایی واحد تحقیقات و توسعه شرکت مهندسین مشاور نواندیش به انجام رسیده است.

عضو مهندسین مشاور نواندیش

E-mail: mahdavinejadutopia@yahoo.com

مقدمه

اسلامی موجب حرکتی شد که در نهایت به تعریف هنر و معماری اسلامی نیز تعمیم یافت. (آژند، ۱۳۷۸، ص ۵). در این مجال لازم به ذکر می‌دانم از هم فکری‌ها و راهنمایی‌های بی‌دریغ دوست مهربانم آقای علیرضا اژدری صمیمانه تشکر و قدردانی نمایم که فراهم آوردن این مختصر بدون پی‌گیری مکالمات طولانی با ایشان یکسر ناممکن می‌نمود. همچنین از آقایان مهندس محمد کاظم سیفیان، مهندس حامد مظاهریان و مهندس محمد باقر خسروی که در مسیر اندیشیدن به هنر اسلامی همواره مرا تشویق نموده و از مصاحبت ایشان بهره‌های فراوان یافته‌ام، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

واژه «هنر اسلامی» واژه‌ای آشنا و غریب است که روشنایی معنای آن، تیرگی تاویل آن را به همراه آورده است. هر چند محققان فرانسوی، اولین کاوشگران آکادمیک آثار اسلامی می‌باشند، لیکن واژه «هنر اسلامی» اولین بار در محیط‌های دانشگاهی انگلستان، جامه تعریف یافت. به عبارت دیگر، انتخاب نام هنر اسلامی، برای برخی از آثاری که با این عنوان بازشناسی می‌شوند، بوسیله سازندگان آن به انجام نرسیده، زیرا شفافیت ویژگی‌های یک اثر اسلامی، به قدری واضح و مبرهن بوده، که در مکتوبات فرهیختگان گذشته، نیازی به بازگویی احساس نمی‌شده است. تلاش کاوشگران غربی، در بازکاوی آثار باستانی، در کشورهای

هنر اسلامی چیست؟

شده، آزادی و انسجام تعریف را از میان میبرد (سوسور، ۱۳۷۸، ص ۲۴) لیکن تلاش گسترده هنر پژوهان، در ارائه تعریفی جامع و مانع از هنر اسلامی، در کنار بازکاوی مبانی نظری آن، موجب فرگشت ترفرازینده بستارهای هنر اسلام شده است. با این وجود، هنوز انسجام امید بخشی، در ارائه تعریفی جامع و مانع از آن، بدست نیامده، و باز تولید معنایی هنر اسلامی تنها در سایه تعمق و توجه به مبانی نظری و مفاهیم اصولی آن میسر خواهد بود.

هنر اسلامی، شامل ویژگی‌های مختلف و جنبه‌های گوناگون است. که هر یک بیانگر خصیصه‌ای از خصوصیات آن به شمار می‌آید. اغلب تعریف‌ها، نگاهی تقلیل‌گرایانه دارند. از این رو، موجب حذفی برخی ویژگی‌ها شده، به برخی دیگر محوری می‌بخشند. این روند موجب جدایی تاویل از متن اصلی می‌گردد (Aston, 1991:180) این رویکرد با برخوردی نشانه‌شناسانه، ماهیت هنر اسلامی را، در نقشی که برای آن، در هر یک از تعریف‌ها در نظر گرفته شده، باز تولید می‌نماید هر چند که در اینگونه موارد، جایگاه هر ساختار از پیش تعیین

نگره‌های اصلی در تعریف هنر اسلامی :

۱- هنر مقدس :

این نگرش هنر اسلامی را هنری مقدس می‌پندارد . دو رویه متمایز ، در مبنای اندیشه سازی این گروه قابل بازشناسی است ، که این تمایز در مبنای منجر به رویکردهای متفاوت در طرفداران این نحله شده است. بر اساس این دو رویکرد دو تعریف متمایز از هنر اسلامی به دست می‌آید .

الف : هنر اسلامی ، هنری است که مستقیماً از دستورات قرآن کریم و یا روایات اسلامی به دست آمده باشد . مبنای اصلی این تفکر اعتقاد به کامل بودن قرآن است و می‌گویند : انسان تمام نیاز های خود را می‌تواند در قرآن بیابد^۱ (چنانکه کارل جی دوری ، می‌گوید : « هنر اسلامی در زمینه های گوناگون ، دارای پایگاهی والا و چشمگیر بوده و منشاء فعالیت مسلمانان در جهان است و مایهٔ ربط هنرمند با هنرش اصولاً توحید می باشد و هنرمند مسلمان تنها از یک منبع گرانقدر بهره می‌گیرد و آن قرآن است . » (دوری ، ۱۳۶۸ ، ص ۲) . در ادامه قرآن را به عنوان تنها منبع قابل اعتماد برای هنرمند مسلمان و محور اصلی در بازخوانی هنر اسلامی معرفی می‌کند . عده‌ای در این زمینه به تندروی هایی نیز دچار شده اند تا آنجا که خود مجبور شده اند ، این نگرش اقراطی را نامناسب معرفی نمایند . براین اساس در برخی دایره المعارف ها به چنین عناوینی برخورد می‌نماییم : بندها و گره‌هایی قوی یک مسلمان را با اعتقادش پیوند می‌دهد ، پیوندی که تمام وجودش را در برمی‌گیرد . دنیای یک مسلمان بسیار محکم تر از دنیای یک مسیحی یا یک فرد عادی است (Encyclopedia of Word Art , 1993 : V.III , 332) و پس از تبیین این ویژگی ها به این نتیجه می‌رسد که مبنای و دستورات دینی هرگز از طرف یک مسلمان مورد سؤال قرار نمی‌گیرد ، از این رو امکان چالش میان هنرمند و آموزه های دینی وجود ندارد و آن چه در نهایت ، تعیین کنندهٔ شاخصه های پذیرفته شده و عمومی اند ، سنت و قرآن است (Encyclopedia of World Art : 1963 , V .III : 332) این برداشت از کامل بودن قرآن کریم و لزوم پیوند آن با تمام شئون زندگی ، دستاویز اغلب چنین تاویل هایی قرار گرفته است . از این روست که در برخی دایره المعارف ها متن قرآن ، یگانه مرجع هنر اسلامی معرفی شده است . در این حالت ، قرآن تنها یک کتاب دینی مشتمل بر نشانگان مذهبی نیست ، بلکه منبعی است برای تمام زندگی که هر عنصر اسلامی باید موبه مو برگرفته از دستورات آن باشد (Dictionnaire Encyclopedique , 1998 : V.III , 3122) .

در این تعریف هنر اسلامی همان هنر قرآنی است و البته در این نگاه ، اسلام تنها یک دین نیست بلکه یک سری از دستورات کامل برای زندگی می باشد پس چیزی اسلامی است که از این دستورات به دست آمد (Grand Larousse Encyclopedique , 1962 : V.6.243) و هنر اسلامی هنری است که بر اساس دستورات اسلامی شکل گرفته باشد . اجازه بهره گیری از تزیینات در مسجد^۲ را موجب پدیداری کاشیکاری ، طهارت آب را موجب شکل گیری حوض آب در صحن ، اجازه رفعت^۳ را موجب برپایی گنبد و مناره در مسجد معرفی می‌کنند

این نگرش در سه مرحله با مشکل روبرو می‌شود :

۱- نخست آنکه در بسیاری از موارد دستورات در قرآن مجید ، ثبت نشده است به عنوان مثال در تورات دستور ساخت کشتی ، نحوه کفسازی هیکل و غیره آمده است ولی در قرآن دستورات مشابهی از آن دیده نمی‌شود در این حالت لازم می‌آید تورات کامل تر از قرآن تلقی گردد . ۲- وقوع دگرگونی های تکنولوژیک امکان اجرای دستوری ثابت ، در طول زمان را منتفی می‌سازد در حالی که اسلام دینی است برای تمامی دوران و لازم است دستورات آن در همهٔ زمان ها ارزشمند باقی بماند .

۳- تنوع نژادی ، اقلیمی و منطقه ای مسلمانان ، پرسش بی پاسخ دیگری در این زمینه است . اگر قرار باشد قرآن دستورات ثابتی بدهد دیگر در همه جا قابل اجرا نبوده و جهان شمول بودن تعالیم الهی اسلام ، به زیر سؤال خواهد رفت .

ب- هنر اسلامی ، هنری است که برگرفته از استعارات و مفاهیم مقدس و اسلامی باشد . در رویکرد این نحله ، رواداری بیشتری نسبت به گروه قبلی مشاهده می‌گردد . شالوده این نگره ، بر مقدس دانستن برخی اعداد یا فرم هاست . دریافت تقدس کعبه^۴ از شکل مکعبی آن (بورکهارت ، ۱۳۶۵ ، ص ۱۷) ، تقدس جرالاسود به سبب فرود از آسمان (بورکهارت ، ۱۳۶۵ ، ص ۱۸) و یا تبرک جامه مخملین کعبه به سبب آداب مقدس جامه پوشانی (بورکهارت ، ۱۳۶۵ ، ص ۱۸) از مثال های روشن این رویه اند . رویکردهای این نحله از یکسو منجر به شکل گیری اعداد مقدس به عنوان پایه طراحی و از سوی دیگر منجر به روایت گری نشانه گرا در فرآیند طراحی شده است . مقدس شناختن قبه الصخره^۵ به سبب اعداد مقدس (بورکهارت ، ۱۳۶۵ ، ص ۲۶) و یا اسلامی دانستن تزیینات محراب و

اجازه بهره گیری از نگارگری، در دیوارهٔ محراب به سبب خصوصیات نشانه ای آن (هیلن براند، ۱۳۷۷، ص ۵۴) و تقدس چراغ محراب به سبب تجلی باری تعالی (هیلن براند، ۱۳۷۷، ص ۵۴) مثال های روشنی از این نوع نگرش به هنر اسلامی اند.

این نگاه به هنر اسلامی نه تنها جامع و مانع نیست حتی نمی تواند تناقض درونی خویش را نیز برطرف سازد. از یک سو عدم سازگاری عده ای از آثار با اعداد مقدس، اعتبار آنها را به زیر سؤال برده، از سوی دیگر تلاقی استعارات و روایت خوانی نشانه گرا در آثاری اسلامی آنها را به آثار دیگر مکاتب همانند ساخته است. چراغ محراب که نشانه ای از نور خداوند سبحان^۱ معرفی شده (هیلن براند، ۱۳۷۷، ص ۵۴) بیانگر مقام حلول است نه تجلی و قرار نگرفتن آن در مرکز مسجد - زیر گنبدگاه - بر تناقض این اندیشه افزوده است. شباهت محراب با حفر یهودی (بورکهارت، ۱۳۶۵، ص ۹۵) شباهت کعبه با تابوت عهد (بورکهارت، ۱۳۶۵، ص ۱۸) و عدم هماهنگی چهار سویه کعبه با جهات جغرافیایی (بورکهارت، ۱۳۶۵، ص ۱۸)، مشکلات ویژه ای را در این زمینه به وجود آورده تا آنجا که عدم انسجام اعداد مقدس در مسجد الحرام، در برخی گزارش ها، مایه ضعف اعتباری آن، در برابر مسجد الاقصی تلقی گردیده است هنر مقدس مدت هاست که در حوزه تحلیل و نقد هنری، به عنوان یکی از مهم ترین بنیادهای هنر مذهبی تجلی یافته و پرداختن به هنر اسلامی، مسیحی، بودایی و غیره، بدون توجه به ابعاد و ویژگی های آن امکان پذیر نیست. نگاه قدسی و ماورای هنر مقدس با ارتقاء اندیشهٔ هنری به انگاره های قدسی گامی در تعالی هنر به شمار می آید. پذیرش هنر اسلامی، به عنوان هنر مقدس، هرچند معرف هنر اسلامی نیست، لیکن همواره سرشار از بداعت و تازگی خواهد بود.

۲- هنر جهان اسلام:

الف- هنر سرزمین های اسلامی: این نگرش، هنر اسلامی را هنر سرزمین های اسلامی، در دورهٔ اسلامی می پندارد. در این نگرش اسلام، اساساً دارای هنر و یا رویکرد هنری نیست، بلکه آن چه در سرزمین های اسلامی تا پایان قرن بیست به وقوع پیوسته، هنر اسلامی شمرده می شود (Vernoit, 1999: xi). حتی اگر سفارش دهندگان این آثار خود مسلمان نباشند و یا کالای تولیدی در خدمت آرمان های اسلامی نباشد (Koch, 1991: 10) در این روش ممکن است حتی هنرمند نیز مسلمان نباشد چنان

که کریستین پرایس^۲ می گوید: «هنر این صنعتگران - که بسیاری از آنها هرگز به اسلام نگرویدند - با هم پیوند خورد و زیر فرمان اسلام، مبدل به شیوه هایی شد که امروزه به نام هنر اسلامی، شناخته می شود». (پرایس، ۱۳۶۴، ص ۹) و یا الگ گرابار هنر اسلامی را مربوط به اسلام نمی شناسد و می گوید که هیچ رابطه ای میان هنر اسلامی و اعتقادات اسلامی وجود ندارد (Grabar, 1993: 1) در این نگاه، هنر اسلامی اساساً هنری التقاطی و غیراصولی شناخته می شود تا آنجا که در کتاب «هنر اسلام در سده های نخستین»^۳ می بینیم: «بطور کلی هنر اسلامی از تکنیک ها و تم هایی بوجود آمد که از کشورهای تسخیر شده اخذ شده بود. اسلام مصلحه ای میان هنر ایران، بیزانس و مصر بوجود آورد ... حیواناتی - اغلب اسطوره ای - که روی در روی هم در دو سمت درخت زندگی ایستاده بودند [مانند آنچه نگارگری هندی وجود داشت] و تصویر شیر هم در آن زمان از هنر بیزانس پذیرفته شد و در منسوجات ایرانی بکار رفت و به صورت تم مخصوصی درآمد که باعث بقای آن گردید و در منسوجات مصری دوره اسلامی هم مورد استعمال یافت». (وایه، ۱۳۶۳، ص ۷) البته در این راستا عده ای چون محمدکیانی^۴ گریه برداری را آگاهانه می دانند چنانکه می گوید: «شالوده هنر اسلامی، ترکیبی از هنر کشورهای مغلوب مانند ساسانیان و حکومت بیزانس، با فرهنگ اسلامی [بود]» (کیانی، ۱۳۷۴، ص ۳) از این رو عصارهٔ فرهنگ اسلامی را نیز می توان در آن جستجو کرد.

برای اثبات اینکه، هر ساخته هنری در سرزمین های اسلامی جزو هنرهای اسلامی نیست، کافی است، مکتوبات طرفداران این نظریه مورد بررسی قرار گیرد. در اغلب این تألیفات، شمار خاصی از آثار برگزیده شده اند، این نکته گواه بر این است که تنها برخی از آثار دوره اسلامی را می توان جزء هنر اسلامی دسته بندی ساخت. حذف پیوستار معنایی - زمانی و تقلیل آن به دوره های تاریخی، مسأله دیگری است که در این روش، بدون پاسخ مانده است.

ب - هنر مسلمانان: این نگرش، هنر اسلامی را هنر

هنرمندان مسلمان معرفی می کند (The Dictionary of Art, 16V, 94) از بزرگان این گروه می توان به دیمر و آرنولد^۵ اشاره کرد. در این نگاه هنر اسلامی وجودی ماهوی ندارد، بلکه نامی است که بوسیلهٔ آن آثار هنرمندان مسلمان باز شناسی می گردد. این روش توجیه مناسبی برای تنوع آثار هنر اسلامی ارائه می کند که آن گونه گونی مسلمان است (Hoag 1979: 7) پیشرفت تکنیک های هنری با پیشرفت مسلمان هماهنگ بوده و این برهانی دیگر بر استواری این اندیشه تلقی شده است. (Atasoy, 1990: 7) هر چند این روش

گاهی به کمک نشانه‌شناسی، به نمودخوانی^{۱۰} نیز بدل یافته و حضور یک اثر، نشانه حضور مسلمانان معرفی شده است (پینگ، ۱۳۷۳، ص ۱۰) به هر حال پذیرش این امر که هنر اسلامی، هنرمندان مسلمان است (Encyclopedia International, 1966: 9,446: 7) باعث حضور بازگسترده‌ای از آثار هنری در زمره آثار هنری در این زمره شده است. این نظریه بوسیله عده زیادی از پژوهشگران هنر اسلامی تاکنون به شیوه‌های متفاوتی مطرح شده و مورد بررسی قرار گرفته است. این تعریف از هنر اسلامی، با وجودی که تعریفی جامع، است مانع نیست. به عبارت دیگر بسیاری از فعالیت‌های هنری مسلمانان را نمی‌توان جزو هنرهای اسلامی طبقه بندی کرد. همانگونه که ممکن است عملی غیر اسلامی از مسلمانی دیده شود ممکن است هنرمند مسلمانی یک اثر هنری غیر اسلامی تولید نماید. از این رو بازشناسی هنر اسلامی به عنوان هنر هنرمندان مسلمان، کلی نگر و غیردقیق است.

۳- هنر با محتوای دینی:

این نگرش، هنر اسلامی را هنری می‌داند که انتقال دهنده مضامین الهی و اسلامی است. لذا هنر باید در خدمت تعالیم اسلامی و ارشاد مردم قرار گیرد، تا بتوان آن را اسلامی نامید. به عبارت دیگر «هنر دینی چه از سبک تجرید و بیان رمز و تمثیل بهره مند باشد و چه رمز و نماد و تمثیل را از طریق اشکال و تصاویر فیگوراتیو [ساختوار] به نمایش گذارد، چه از طریق باز نمود طبیعت و واقعیت محض، آن را بیان کند در هر حال تجربه زیبا شناختی از امر قدسی است و این امر آن جوهر اصلی هرگونه تعریف هنر دینی» (رهنورد، ۱۳۷۸، ص ۱۶) با چنین تعریفی هنر اسلامی، هنری است حاکی از تجلی عوالم برتر، در ساخت‌های نفسانی و دینی (نصر، ۱۳۷۰، ص ۲۸). هنری که با تقدس خویش دنیای مادی را سرشار از پیام‌های ایزدی نماید. (Eliade, 1987:12) و بهترین راه برای تحقق چنین امری، آن است که هنر در برگیرنده مضامین بلند قرآنی^{۱۱} شود (9Atasoy, 1990: 7) طرفداران این نحله با استناد به گفته ازرقی^{۱۲} می‌گویند: شمایل‌نگاری مجاز است زیرا در جریان عید برائت و تطهیر کعبه از بت‌های مشرکان «پیامبر [اکرم (ص)] با دو دست [خویش] تماثیل مریم عذرا را حفظ فرمودند [تا مبادا حضرت علی (ع) آن را محو سازد] و امر به محو ساختن دیگر تصویرها نمودند» (بورکهارت، ۱۳۶۵، ص ۱۹) بر اساس این داستان، شمایل‌نگاری را مجاز دانسته و در توجیه روایات متعددی که

از پیامبر اکرم و ائمه اطهار بر ضد شمایل‌نگاری در مکان‌های مذهبی آمده است می‌گویند: «نهی تصاویر در اسلام به طور کامل و فقط مربوط به نگاشتن تصاویر الوهیت می‌شود... نهی چهره پیامبران و رسل به سبب احترام و غیر قابل تقلید بودن ایشان [است]». (بورکهارت، ۱۳۶۵، ص ۴۰).

پذیرفتن هنر اسلامی، به عنوان هنری با محتوای دینی، منجر به پذیرش تمام صور هنری به عنوان پیام‌رسانی و پذیرش شمایل‌نگاری در مساجد و ابنیه مذهبی است به عبارت دیگر، بر اساس این نگرش باید بتوانیم، تصویر حضرت علی (ع) را در مسجد نصب کنیم. این در حالی است که طرفداران این روش خود به تناقض این نگاه با سیره پیامبر اکرم^{۱۳} اذعان دارند. علاوه بر این، رویه هنرمندان مسلمان نیز جز این بوده، که همواره، جدا از مضمون و محتوای اثر به فرم و زمینه آن نیز توجه کرده‌اند (سیفی تفرشی، ۱۳۶۲، ص ۸). عبادت در حضور تصاویر، چون شمایل پرستی در میان مسلمانان نكوهیده است (هیلن براند، ۱۳۷۷، ص ۳). هر چند آثار نامناسب این چنین نگرشی به هنر اسلامی مبرهن است لیکن تلاش متفکران معتقد به این روش، فوایدی بیشمار در جهت توسعه مبانی هنر اسلامی به همراه داشته است.

۴- هنر عربی:

در این نگرش، هنری که ملهم از پشتوانه اندیشه‌های عربی قبل از اسلام و صدر اسلام است و یا هنری که وفادار به زبان عربی، به عنوان واسطه تماسی قرآن مجید باشد، هنر اسلامی خوانده می‌شود. تالبوت رایس^{۱۴} هنر اسلامی را در ساخته از نگره‌های عربی ابرانگاره‌های اسلامی، در سال‌های ابتدایی پیدایش اسلام می‌خواند. از این رو برای آن پیشینه‌ای عربی قایل می‌شود.

(Talbot Rice, 1986:7) حضور زبان عربی به عنوان ابزار رسانه‌ای وحی، باعث گردیده است عده‌ای از متفکران اسلامی، از آن با عنوان زبان مقدس و یا عنصر اصلی هنر اسلامی یاد کنند (بورکهارت، ۱۳۶۵، ص ۵۱) در این میان از ارنست کونل شباهت میان هنر دینی و غیر دینی را در سرزمین‌های اسلامی دلیل بر حضور پیوستاری کارآمد و البته عربی در این کشورها می‌داند و بسیاری از عقاید اسلامی، از جمله رویه هنری هنرمندان مسلمان را حاصل اندیشه‌های زبان عربی پیش از اسلام می‌شمارد تا آنجا که می‌گوید: «مخالفت باگروندگان به سوی طبیعت [ناتورالیسم] آن چنان در طبع فرد فرد مسلمانان

فرو رفته بود که بدون [تعالیم] و یادآوری های موکد پیامبر هم می توانست پابرجا بماند » (۷ ک ۱۹۶۶ و ممتدعن و بسیاری دیگر از اصول و مبانی هنر اسلامی ، را به نگره های عربی و اغلب به قبل از اسلام و یا سنن شبه جزیره عربستان ارجاع می دهند به هرحال این گروه از پژوهشگران هنر اسلامی برای این هنر پشتوانه ای عربی معرفی می کنند .

وضعیت هنری شبه جزیره عربستان پیش از اسلام کاملاً مشخص است ، لذا تصور اینکه آداب و سنن آن ، مایه شکوفایی و بالندگی هنر اسلامی شود به کلی مردود است . تصور عادات ضد شمایل نگاری و پیکره سازی در عرب دوره جاهلی نیز بر اساس شواهد موجود غیر ممکن می نماید (بورکهارت ، ۱۳۶۵ ، ص ۱۹) و آنچه در سراسر سرزمین های اسلامی پراکنده شده است خود زبان عربی نیست بلکه کلام وحی است و در بناهای اسلامی ، منسوجات ، سفال ها و نقشینه های چوبی ، این کلام وحی است که خودنمایی می کند و نه زبان عربی و اگر زبان عربی رونق یافته ، به سبب جریان آن ، در کالبد نظام دیوانی دستگاه های مدیریتی است (Atasoy , 1990: 7) نه تقدس ماهیتی آن .

۵- هنر هندسی :

این نگرش ، هنری را اسلامی می داند که از یک سری تکنیک های خاص و یا عناصر انتزاعی شده مشخص مانند شمسه ، چلیپا و غیره استفاده نماید . در این نگاه ، هنر اسلامی گاهی تا مرز یک سری نگاره و نقشمایه تقلیل می یابد (Pinder , 1985 : 2) در این زمینه گاهی تکنیک و روش های کارآیندی یک معنا را مهم تر از خود معنا معرفی می کند

(Grabar , 1967 : 87) شباهت جزئیات اجرایی و تفاوت در کلیت هنری ، در نقاط مختلف ، موجب متناظر دانستن میان شالوده هنر اسلامی با جزئیات هندسی و استعارات نمایی ای ، گردیده است . تعریف معماری شامل گنبد ، مناره ، کاشی و غیره با عنوان معماری اسلامی ، حاصل این روند در اندیشه هنر اسلامی است (Michell , 1984 : 7) عدم جواز تزیینات و شمایل نگاری در مساجد و اماکن مذهبی به صورت مستقیم از آیات قرآن استنباط می گردد . از این روست که هنرمندان

اسلامی ، دقت هوشیاری کافی را در گزیده برداری از این فرم ها به کار می گیرند (The Dictionary of Art , 1996 : V.1699) .

نقش مایه های اسلیمی و نگاره های هنری همزاد اسلام نیست . پس نسبت دادن یک فرم به هنر اسلامی ، امری غیر قابل قبول است^{۱۵} . مسلمانان نیایش در برابر تصاویر و مجسمه قدیسان - به آن صورت که در مسیحیت حضور دارد - را در شمایل پرستی^{۱۶} دانسته ، از این جهت به شمایل شکنی^{۱۷} و انتزاع روی آورند . این تصاویر انتزاعی و طرحمایه های هندسی از خود اصلاتی نداشته ، به استعارات و پیام های الهی باز می گردند (هیلن براند ، ۱۳۷۷ ، ص ۲) . هنر اسلامی ، هنر توحید است و با هنر تجرید متفاوت است (الصایغ ، ۱۹۸۸ ، ص ۱۲۶) اغلب پژوهشگرانی که هنر اسلامی را در نقش مایه های آن جستجو کرده اند از این نظریه حمایت می کنند^{۱۸} در حالی که نه از نظر جامعیت برخوردار است و نه از مانعیت ، به عبارت دیگر هر نقشینه اسلیمی ، انتزاعی نیست و تمام نقش مایه های انتزاعی ، اسلامی نیستند .

۶- هنر اسلامی شامل همه موارد فوق است :

این نگرش ، هنر اسلام را شامل تمامی این نظریات و یا گزیداری از تعدادی از عناوین فوق معرفی می کند (رهنورد ، ۱۳۷۸ ، ص ۶۱ - ۵۰) و گاهی در حرکتی محافظه کارانه تر ، تمام این عناوین را ، در قالب بستارهای هنر اسلامی ، بازتعریف می نماید و این در حالی است که گونه گونی دستورات و برنامه های ارائه شده ، علیرغم جامعیت از مانعیت برخوردار نیست ، در طرف مقابل گروهی دیگر ، درصدد گردآوری اشتراکات گروه های پیش فرض و تعریف سامان های جدید برای هنر اسلامی اند در این رویکرد یک اثر اسلامی ، تعریف یافته از صفاتی متمایز و گونه گون ، تحت عنوان ویژگی های هنر اسلامی می گردد . البته بسیاری از گروه های فوق هیچ جنبه اشتراکی با یکدیگر ندارند از این جهت ، این تعریف نیز ، علی رغم مانعیت از جامعیت برخوردار نیست ، در هر صورت تلاش این گروه از دانشوران حاصل حرکت نمودگرایانه ، در بازتعریف هنر اسلامی است ، با شرایطی که تمامی موارد را شامل گردد . که این تلاش به خودی خود ، به ابهام و واگرایی تعریف های هنر اسلامی دامن می زند

نتیجه گیری:

عربی، در آثار اسلامی، تقدیس کلام است نه زبان. هندسه ماهیت هنر اسلامی نیست، بلکه سازواره انسجام آن است که در صورت آن، نمود می یابد. در این هنر هیچ نشانه‌ای، بینشان نیست و هر نمایه، گزاره یک ترابر نمایه متعالی است. اولین گزاره و آخرین نمایه هنر اسلامی توحید است هنر اسلامی تداومی است از صورت به آیت و آیت به وحدانیتی پایدار، که در آن نقش مایه‌ها رنگ باخته، انگاره‌ها نقش می گیرند. در هنر اسلامی، فرم، محتوا و رسانه فرع حکمت اند و چون وحدت در کثرت، روایت یگانگی باریتعالی است.

مثنوی ما دکان وحدت است

غیر واحد، هر چه بینی آن بت است (۵۲۸-۶)

بت شکن بود ست اصل اصل‌ها

چون خلیل حق و جمله انبیاء (۸۱۴-۴)

هنر اسلامی لزوماً بر گرفته از آیات و روایات نیست، هر چند هنر اسلامی خود را بی نیاز از آن نمی داند، قداست هنر اسلامی در فرم آن نیست، بلکه در صورت آن است. هنر اسلامی، هنر دولت‌ها و سرزمین‌های اسلامی نیست هر چند اغلب آثار اسلامی، در دوره پایداری این دولت‌ها شکل یافته و شکوفایی خویش را مرهون این دولت‌هاست. هنر اسلامی، هنر هنرمندان مسلمان نیست، هر چند یک اثر اسلامی نمی تواند چیزی جز نمود نیت^{۱۱} فرجام شناسانه یک مسلمان متعهد باشد. خلق هنری در اسلام، بازتاب حسن فعلی و حسن فاعلی است. مسلم است که هنر اسلامی محتوای دینی دارد لیکن هر هنر با محتوای دینی اسلام نیست. هنرمند در هنر اسلامی در بند رسانه و بیان نیست، چه رسد به واسطه زبان. حضور کلام

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ سوره انعام، آیه ۵۹: و عنده مفاتيح الغيب لا يعلمها الا هو و يعلم ما في البر و البحر و ماتسقط من ورقه الا يعلمها و لاجبه ظلمات الارض و لا رطب و لا يابس الا في كتاب مبين: ... هیچ تر و خشکی نیست، جز آنکه در کتاب مبین (قران مجید) مسطور است: از این آیه، این چنین استفاده می‌شود که قرآن شامل تمامی نیازهای انسان و شامل بر قوانین و سنن حاکم بر جهان است.
- ۲ سوره اعراف، آیه ۳۱ و ۳۲: یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد ... من حرم زینته الله التي اخرج لعباده: ای پسران آدم، در هر جایگاه نیایشی جامعه آراسته بر تن کنید ... چه کسی تن پوش زیبا را که خدا برای بندگانش آورده، حرام ساخته است: اندیشه‌ای که هنر اسلامی را هنر مقدس می‌داند این آیه را دلیل بر جواز کاشی کاری و بهره‌گیری از فرش‌های رنگین در مسجد معرفی می‌نماید.
- ۳ سوره نور، آیه ۳۶: فی بیوت اذن لله ان ترفع و یذکر فیها اسمہ یسبح له فیها بالغدو و الاصال: در خانه‌هایی که خدا رخصت داده که آن جا رفعت یابد و در آن ذکر نام خدا شود و صبح و شام تسبیح و تنزیه ذات پاک او کنند: اندیشه‌ای که هنر اسلامی را هنر مقدس می‌داند این آیه را دلیل بر اجازه رفعت و بلندی مناره‌ها، گنبد و دیواره معرفی می‌کنند. امام خمینی در ذیل این آیه، رفعت را بلندی و رفعت فیزیکی و ظاهری تعبیر کرده‌اند. (به نقل از دکتر محمد علی آبادی).
- ۴ نام کعبه، به معنی مکعب است. البته کعبه یک مکعب کامل نیست بلکه یک مکعب مستطیل است که درازای آن شانزده متر می‌باشد. (بورکهارت، ۱۳۶۵، ص ۱۸). مکعب خالص ترین فرم جهانی است. مربع به عنوان پایدار ترین کهن‌الگوی انسانی مبنای برپایی کعبه و شالوده ساختاری آن است. کعبه از شاهکارهای تناسب‌ات ادراکی در جهان معماری است زیرا که علی‌رغم عدم تساوی طول، عرض و ارتفاع آن، تجسمی خالص و پایدار از یک مکعب را پدیدار می‌سازد. مکعب جلوه‌گاه ظهور خطوط موازی در بستری کالبدی و روحانی است خطوط موازی یادآور حرکت مستقیم، بدون انحراف و پابرجا به سوی هدفی متعالی و فراتر از تصورات انسانی است. نادر اردلان در کتاب معروف خویش با عنوان احساس وحدت: (Sense of Unity)

به بازکاوی دقیق رمزگان نشانه‌شناختی و نمادین کعبه پرداخته، که می‌تواند راهگشای دانش پژوهان هنر اسلامی باشد. همچنین از کتاب‌های ارزشمند دیگری که می‌توان در این زمینه نام برد، کتاب «مبانی هنر معنوی» است که در آن گزارش‌ها و مقالاتی از کوربن، شوان و غیره وجود دارد در این کتاب ارزشمند، بورکهارت درباره مشخصات نمادین کعبه و مبانی رمزی آن مقاله‌ای ارائه نموده است که مطالعه آن برای محققان راهگشا و سرشار از طراوت و شادابی است.

۵ قبه‌الصخره در اورشلیم (بیت المقدس)، در میان سال‌های ۶۹ و ۷۳ هـ (۶۹۲-۶۸۸ م) ساخته شده است. دیواره استوانه‌ای تکیه‌گاه بر چهار جزر و دوازده ستون استوار است و دالان پیرامون گنبد بر هشت جزر و شانزده ستون که جمعاً می‌شود چهل ستون عنصر حمل (باربر) عدد چهل، عددی بسیار مقدس است زیرا شمار پاکانی که به گفته پیامبر اکرم (ص) ستون‌های جهان در همه اعصار هستند، برابر چهل است.

۶ سوره نور، آیه ۳۵: لله نور السماوات و الارض مثل نوره کمشکوه فیها... خداوند نور آسمان‌ها و زمین است...

۷ کریستن پرایس، در انگلستان دیده به جهان گشود و دوران کودکی‌اش را در لندن گذراند و بعداً برای تحصیل به ایالت متحده رفت. تلاش‌های وی، در بازکاوی تاریخ، فرهنگ و هنر اسلامی از این دوره آغاز شده است. این کوشش‌ها او را در زمره شرق‌شناسان و اسلام‌شناسان برجسته قرار داده است.

۸ این کتاب ترجمه بخشی از مجموعه «هنر بیزانس و قرون وسطی» (Byzantine and Medieval Art) است که به هنر اسلام اختصاص دارد. مطلب یاد شده در متن، مربوط به مقدمه کتاب و نوشته Rene Huyghe عضو آکادمی فرانسه، استاد کالج هنرهای زیبای فرانسه و مدیر افتخاری لوور-می‌باشد.

۹ Arnold, Sir Thomas (Walker) در ۱۹ آوریل ۱۸۹۴ در لندن به دنیا آمد. تخصص اصلی او شرق‌شناسی بود در کنار آن، تحقیقات گسترده‌ای را در زمینه نقاشی اسلامی (نقاشی مسلمانان) به انجام رسانید. اغلب تحقیقات او در دانشگاه کمبریج و با بهره‌گیری از همکاری ادوارد کول (Edward Cowell) و ویلیام رابرتسون (William Robertson) به انجام رسید. در ۱۸۹۸ به درجه استادی در زمینه هنر اسلامی در دانشگاه دلهی نایل گشت. یکی از بزرگترین کارهای او، عزیمت به مصر و مکالمه با بزرگان الازهر در زمینه نقاشی اسلامی بوده است.

(۱۹۶۵ ق / ۱۹۲۸ و Painting Islam, Oxford) شاید این اثر، غنی‌ترین منبع بازکاوی حدود شرعی و خصوصیات نقاشی اسلامی بوده است (The Dicitonary of Ar, 1996: V. 2, 479) برای آگاهی از روند شکل‌گیری نظرات این دانشمند می‌توان به (Kine, 1930: 90-188) مراجعه کرد.

۱۰ نشانه‌شناسی و نمودشناسی دو متد متمایز، در برخورد با یک‌نماد می‌باشد. نشانه‌شناسی علمی با پشتوانه زبانی است، که در برخوردی پدیدارشناسانه، جریان سیال معنا در آن واگویی می‌شود. (سوسور، ۱۳۷۸) اما در نمودشناسی، یک عمل بصری-تاریخی، در قالبی اجتماعی به انجام می‌رسد (برای دستیابی به مثال‌هایی روشن در این زمینه به (هاسپرژ، ۱۳۷۹، ص ۴۰-۲۷) مراجعه کنید). از لحاظ تقسیم‌بندی‌های علمی، نمود خوانی مرحله علمی نمودشناسی و جزئی از نشانه‌شناسی شمایی است.

۱۱ از سوره‌الرحمان آیه ۴۱: يعرف المجرمون بسیماهم، چنین استنباط می‌کنند که شمایل‌نگاری مجاز است، به شرط آنکه در برگزیده محتوای دینی متناسب با آن باشد. برای این نگاه به هنر مثال‌های متنوعی وجود دارد. از جمله آن که ترسیم چهره مومنان چه به صورت ساخت‌وار و چه انتزاعی زمانی مجاز است که بر اساس سوره فتح آیه ۲۹ باشد: سیما هم فیه من اثر السجود (رهنورد، ۱۳۷۸، ص ۷۸).

۱۲ ارزشی مؤلف قدیمی‌ترین، تاریخ مکه است. او می‌گوید شمایل‌مورد بحث، تمثیل مریم عذرا با فرزندش بر دامن او بود. که به گفته بورکهارت «این تصویر، بعدها در آتش سوزی (?) نابود شده است» (بورکهارت، ۱۳۶۵، ص ۱۹)

۱۳ در خبر است که پیامبر اکرم (ص) برای نماز به مکانی رفتند که پرده‌ای با نقش جانداران در آن آویخته شده بود. پیامبر فرمودند آن پرده را بردارند. البته کاملاً مشخص است که ایشان، فاقد نیروی تمرکز نبودند و این مهم را به عنوان یک اصل اسلامی ابراز داشته‌اند. بورکهارت در ذیل این روایت در یک عقب‌نشینی آشکار از مواضع قبلی خود می‌گوید: «معلوم می‌شود که بعضی از انواع هنر، با نیایش اسلامی سازگار نیست» (بورکهارت، ۱۳۶۵، ص ۹۵)

۱۴ David Talbot Rice منتقد برجسته انگلیسی. در سال ۱۹۳۲ از دانشگاه آکسفورد در رشته الهیات مسیحی فارغ‌التحصیل شد. سپس با سفرهای متعدد به خاورمیانه در زمینه هنر اسلامی و بیزانسی به تحقیق و پژوهش پرداخت و به عنوان هیئت علمی دانشگاه کورتولد لندن به فعالیت پرداخت.

۱۵ باید توجه داشت که هنر اسلامی شامل یک سری گره، شمسه موتیف نیست همان‌گونه که ممکن است در بنایی، کاشی، شمسه، گلدسته و غیره بکار رفته باشد و نام آن را هم مسجد بگذارند ولی نتوان از آن به عنوان معماری اسلامی یاد کرد (مانند مسجد پارک لاله تهران).

Iconolater ۱۶

Iconolast ۱۷

۱۸ برای مطالعه بیشتر در زمینه هنر اسلامی، به مثابه هنر انتزاعی، هندسی و یا هنری شامل یک سری از عناصر و موتیف‌های خاص مراجعه کنید به: (Blochet: 1897) (Blochet: 1905) (Blochet: 1898-1900)

۱۹ اشاره به حدیث نبوی: نیت المومن خیر من علمه: نیت مومن از عمل او بهتر است و یا در حدیث دیگری چنین اشاره رفته است که «انما الاعمال بالنیات» همانا صلاح اعمال بر نیات استوار است. در روایات اسلامی علاوه بر حسن فعلی (= صحت انجام عمل) حسن فاعلی (= صحت نیت و اراده) نیز از اهمیت به‌سزایی برخوردار است تا آن‌جا که در دین مقدس اسلام، اگر نیت صحیح نباشد، ظاهر صحیح عمل پوچ و بی‌فایده خواهد بود. البته سیر از نیت به عمل در اندیشه ایرانی از سابقه‌ای طولانی برخوردار است. اساس آموزه‌های زرتشت برپایه‌سه آموزه پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک استوار گشته که براساس این روش، انسان می‌بایست اندیشه، گفتاری و اعمال خویش را از پلشتی‌ها بپالاید تا در مسیر هدایت و رستگاری قرار گیرد.

منابع و مآخذ:

- قرآن مجید
- آوینی، سید مرتضی، کتاب مقاومت، دفتر فرهنگ و ادبیات حوزه هنری، تابستان ۷۰، شماره ۴
- آوینی، سید مرتضی، مجله سوره، ویژه سینما، بهار ۷۱، سال دوم، شماره اول.
- اتینگهاوزن، ریچارد والگ گرابار، «هنر و معماری اسلامی»، ترجمه یعقوب آژند، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۸.
- * در متن به این صورت آدرس داده شده (آژند: ۱۳۷۸ و ده) مطالب یاد شده در متن از یعقوب آژند در مقدمه کتاب نقل شده است.
- الرافی، انور، «تاریخ هنر در سرزمین های اسلامی»، ترجمه عبدالرحیم قنوت، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۷.
- الصایغ، سمیر، «الفن الاسلامی»، بیروت، دارالمفرقه، ۱۹۸۸. (به نقل از دکتر زهره کاظمی (زهره رهنورد)
- بورکهارت، ابراهیم (تیتوس نام اولیه او بوده است)، «هنر اسلامی، زبان و بیان»، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، انتشارات سروش، چاپ اول، ۱۳۶۵.
- بورکهارت، ابراهیم (تیتوس)، «هنر مقدس»، ترجمه جلال ستاری، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۶۹.
- پرایس، کریستین، «تاریخ هنر اسلامی»، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۴.
- پینگ، لیوجی، «معماری اسلامی در چین»، ترجمه مریم خرم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، بهار ۱۳۷۲.
- جوادی املی، عبدالله (محمد)، «تفسیر موضوعی قرآن مجید»، تهران، مرکز نشر رجا، ۱۳۶۵.
- دوری کارل، جی، «هنر اسلامی»، ترجمه رضا بصیری، تهران، انتشارات یساوولی-فرهنگسرا، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
- در متن به این صورت آدرس داده شده است: (تفرشی، ۱۳۶۸، ص ۸): مطالب یاد شده در متن از مرتضی سیفی تفرشی در مقدمه نقل شده است.
- رهنورد، زهرا، «حکمت هنر اسلامی»، تهران انتشارات سمت، چاپ اول، پائیز ۱۳۷۸.
- سوسور، فردینال دو «دوره زبان شناسی عمومی»، ترجمه کوروش صفوی، تهران، انتشارات هرمس، ۱۳۷۸.
- کونل، ارنست، «هنر اسلامی»، ترجمه هوشنگ طاهری، تهران، انتشارات توس، ۱۳۵۵.
- کیانی، محمد یوسف، «تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی»، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، بهار ۱۳۷۴.
- مطهری، مرتضی، «اهتزاز روح- مباحثی در زمینه زیبایی شناسی و هنر»، تهران، سازمان انتشارات حوزه هنری، ۱۳۶۹.
- نصر، حسین، «هنر و معنویت اسلامی»، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران، دفتر مطالعات دینی هنر، ۱۳۷۵.
- وایه، گاستون، هنر اسلامی در سده های نخستین»، ترجمه رحمان ساوجی، چاپ مسطح چاپخانه گیلان، چاپ اول، ۱۳۶۲.
- هاسپرز، جان و راجر اسکراتن، «فلسفه هنر و زیبایی شناسی»، ترجمه یعقوب آژند، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۹.
- هیلمن براند، رابرت «معماری اسلامی»، ترجمه ایرج اعتصام، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، چاپ اول، تهران، تابستان ۱۳۷۷.

- Arnold, T. W., and L. Binyon, <The Court Painters of the Great Mughals>, London, 1921.
- Arnold, T. W., Survivals of Sasanian and Manichaeaan Art in Persian Painting, Oxford, 1924.
- Arnold, T. W., <Painting in Islam>, a Study of the Place of pictorial Art in Persian Painting, Oxford, 1924.
- Arnold, T. W. <Painting in Islam, a Study of the Place of Pictorial Art in Muslim Culture>, Oxford, 1928.
- Arnold, T. W. and A. Grohmann. <The Islamic Book: A contribution To Is Art History From the Sevent to the Eighteenth Century>, London and Pairs, 1929.
- Arnold. T. W., <Bihzad and his aintings in the Zafar _ Namah MS>, London, 1930
- Arnold, T. W., and j.v.s. Wilkinson, <The Chester Beatty Library: A Catalogue of the Indin Minintures >, Oxford, 1936.

- Arnold Sir Thomas (Walker), <Painting in Islam> , Oxford University Press, oxford, 1928/R.1965.
- Atasoy , Nurban , And Afif Babnassi Michel Rogers, <The Art of Islam> nesco (text)_Flammarion (Publication) , 1990
- Aston , Elaine And George Savora,< Theatre as Sign _ System : A Semiotics of Text And Performance>, Routledge Press , London ,1991.
- Blochet, E ., <les miniatures des manuscrits>. Gazette das Beaux _ Arts , xvii (1897) . PP.281-96; XXVIII(1897) . PP . 105-18 .
 - در این کتاب (در صفحات ۲۲۴-۱۹۳) مثال های مناسبی از هنر عربی ذکر شده که به عنوان الگوی سرزمین های اسلامی رواج یافته اند .
- Blochet, E ., <Les Inventaire rt description des miniatures des manuscrits orientaux conserves ala Bibliotheque Nationle> Revue des Bibliotheques VIII, 1898-1900 .
- Blochet E., < Les ecoles de Peinture en Perse ,Revue Archeologique> VI/2, 1905 .
- Blochet, E ., < Peintures des manuscrits arabes a types byzantins> . *Revue. Archeologique . IX/I , 1907 .
 - در این کتاب (در صفحات ۱۰۵-۱۸) برخی از نسخه های مینیاتوری معرفی شده در چندین تقسیم بندی ارائه شده است که علت آن تنوع محتوایی کپی های مختلف یک اثر می باشد .
- Coomara swamy, Ananda , <The Anatolian Givilization : Prehistoric Hittite Early Iron Age> Istanbul , Ministry of Culture & Tourism ,1983.
- The Dictionary Of Art, Vol. 16,In Thirty Four Volumes, Edited by Jane Turner, Groves Dictionary Inc. ,New York, 1996.
- Dictionnaire Encyclopediqe QUILLET, Raoun Mortier Libraire Aristide Quillet, paris,1965.
- Eliade, Mircea; Encyclopedia of Religion; V. 6, New York : Macmillan Publishing , 1987.
- Encyclopedia International, Vol. 9 , In Twenty Volumes , Grolier Incorporated , New York , 1966.
- Encyclopedia Of World Art, Vol. VIII , McGraw – Hill Book Company , England, London , New York , Toronto , 1963.
- Grabar , Oleg , < The Formation of Islamic Art> , Yale University Press , New Haven and London 1973 .
- Grand Larousse Encyclopedique, Vol. 6, Auge Gillon , Endix Vilumes , Librairie Larousse , Paris , 1962.
- Hoag , john D. < Islamic Architecture > by Academy Editions , Faber and Faber / Elacta Publishers , London , 1979 .
- Kosh , Ebba, <Mujhal Architecture, noutline of its History and Development 1526-1858> , Prestel publication, 1991 .
- Kunel, Ernest < Islamic Art and Architecture>, Translated By : Katherine Watson, G. Bell and Sons LTD , London , 1966 .
- Michell , George , <Architecture Of The Islamic World > , Thames and Hudson Press (H m D) , London, 1984 .
- Pinder, Ralph, Wilson, <Studies In The Islamic Art> , The Pinder Press, London , 1985.
- Stchoukine , I., <Un Historien de L'art Masulman : Sir Thomas W. Arnold> , Rev . A Asiat . Vi .1930.
- Talbot rice , David , < Islamic Art > , Thames and Hudson Press (H & D), London 1986 .
- Van Berchem , M. and E. Fatio < Voyage en syrie>, Cairo , 1913-14 .
- Vernoit , Stephen, < Discovering Islamic Art, Scholars , Collectors And Collections, 1850 – 1950> .